پذیرش ولایت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام پیام جهانی و ابدی غدیر است

آیت‌الله کریمی جهرمی

بدانید ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، از مقوله الفاظ نیست؛ بلکه از مقوله معتقدات است که باید در تمام وجود انسان اثر بگذارد؛ یعنی کسی که ولایت علی علیه‌السلام و ولایت صاحب یوم‌الغدیر را قبول کرد، در راه باطل گام بر ندارد، نگاه‌های شهوت‌آمیز نکند، دنبال خطا را نگیرد و راه علی و اولاد علی علیهم‌السلام را ادامه دهد.
آیت‌الله کریمی جهرمی در نوشتاری به موضوع غدیر پرداخته و آورده است:

• غدیر، واقعه‌ای جهانی

جریان غدیر از اهم وقایعی است که در اسلام واقع شده است و برای مردم و گروه خاصی نبوده است؛ شاهد آن هم اینکه رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله طوایف مختلفی را از بلاد و ممالک مختلف که برای حج آمده بودند، در این واقعه جمع کردند و این، حاکی از آن است که جریان، انحصار به مردم مدینه یا حجاز و امثال آن ندارد؛ بلکه یک جریان جهانی است که باید هر کسی از هر کجا آمده، توجه کند و اسراری را که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن روز بیان کردند، به مردم برسانند.

در حقیقت، قضیه غدیر، بسیار بسیار مهم است؛ بلکه در میان قضایای مهمی که در اسلام واقع شده است، از یک دیدگاه، اهم آنهاست. بعضی از آقایان حتی در وصیت‌نامه‌شان تأکید می‌کردند به سه مطلب: غدیر غدیر غدیر؛ نیمه شعبان نیمه شعبان نیمه شعبان؛ عاشورا عاشورا عاشورا. روی این سه واژه بسیار حساس بودند و می‌فرمودند که تمام فکر و هم شما، روی این سه مطلب باشد.

اما از یک دید می‌توان گفت: آن واقعه‌ای که حتی دو واقعه دیگر را در پرتو آن می‌توان آورد، غدیر است که مربوط می‌شود به مولای ما امیرالمؤمنین علی علیه الصلوة والسلام.

• آیه تبلیغ

اولین مطلبی که می‌توان درباره غدیر گفت، اینکه این واقعه مهم یک مطلب قرآنی است که در خلال حداقل دو آیه کریمه از سوره مبارکه مائده، بازگو شده است که اگر در همین دو آیه توجه و تأمل کنیم، اهمیت این قضیه بر ما روشن خواهد شد. در این نوشتار به یک آیه که مشهور به «آیه تبلیغ» است، اشاره خواهیم داشت:

﴿یا أیها الرسول بلّغ ما أُنزِلَ إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بَلَغت رسالته والله یعصمک من الناس إن الله لایهدی القوم الکافرین﴾

• تأمل در خطاب «یا أیها الرسول»

در این آیه شریفه، خطاب رسمی «یا أیها الرسول» آمده است؛ درحالی‌که ممکن بود، بفرماید: «یا محمد!»؛ حتی از کلمه «یا أیها النبی» نیز استفاده نشده است.

کلمه و واژه والای «رسول»، بیان‌گر رسالت عامه و تامه برای عامه جامعه است. پس خطاب «یا أیها الرسول»؛ یعنی ای رسول ما! ای کسی که فرستادة ما به سوی خلائق می‌باشی! تو رسول و فرستاده‌شده برای کافه انام هستی، نه جزیرةالعرب تنها و نه فقط بلاد نزدیک به آنجا و یک جامعه خاص؛ بلکه برای تمام جوامع انسانی؛ چه آنهایی که آن وقت موجود بودند و چه افرادی که بعد به وجود آمدند.

در این آیه شریفه، خداوند از این لفظ استفاده می‌کند؛ چراکه می‌خواهد، اهمیت مطلب را بیان کند که بیان آن مربوط به خطاب به همه بشریت است؛ به لفظ «یا أیها الرسول» می‌فرماید که تو فرستاده ما هستی و اکنون که در اواخر عمر هستی، باید یک رسالت مهمی را ایفا بکنی که در پایداری اسلام و قرآن و پایداری جوامع صحیح انسانی، اثر مهم و مستقیم دارد.

• تأملی در واژه «تبلیغ»

بعد می‌فرماید: «بلغ ما أنزل إلیک من ربک»؛ این تعبیر بسیار عجیب است؛ یعنی به هر وضعی شده، این مطلب را به تمام افراد ابلاغ کن؛ نه فقط به زید و عمرو یا یک خانواده و یک شهر و نه به یک مملکت و یکی از اقصاء نقاط عالم؛ بلکه به هر کسی، به هر جایی، از هر مملکتی؛ ممالک موجود و ممالک آتیه. باید این مطلب را به آنها به هر وسیله‌ای که است، برسانی.

• پیوند تام ولایت و رسالت

در ادامه آیه شریفه می‌فرماید: «و إن لم تفعل فما بلغت رسالته»؛ یعنی اگر این مطلب را به جوامع انسانی نرسانی، رسالت الهی را انجام نداده‌ای و بقیه مطالب گذشته هم، کأن لم یکن خواهد شد.

این چه مطلبی است که تمام امر رسالت یک طرف و این مطلب یک طرف؟ چقدر جا دارد که انسان درباره این مطالب و تعابیر خاصه قرآنی، تفکر و تأمل کند.

• تبلیغ غدیر در کلام حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام

این مطلب مهم، به‌وسیله رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام شد؛ همان پیامبری که در اطاعت از ذات اقدس الهی، کسی به پایة او نمی‌رسید و سرتا پای وجود او، محو در خدا و اطاعت امر او بود. در مرحله بعد هم می‌بینیم که اولیاءالله به‌طور رسمی تبلیغ این امر مهم را دنبال کردند.

شخصی از اصحاب رسول‌الله به‌نام محمودبن لبید می‌گوید: هنگامی که رسول‌خدا از دنیا رفت و ایشان را به خاک سپردند، تنها یادگار رسول‌الله فاطمه زهراء علیهاالسلام، دچار یک غم و غصه بسیار عمیق و سرشاری شدند؛ به‌طوری که روزها کنار قبر عموی بزرگوارشان حمزه سیدالشهداء می‌نشستند؛ گریه می‌کردند و مطالبی به پدر بزرگوارشان عرض می‌کردند.

«فأتیتها وسلمت علیها»؛ نزدیک آمدم، سلام کردم و گفتم: «یا سیدتی! إنی سائلک عن مسألة»؛ ای سیده و بانوی من! مسأله‌ای دارم که می‌خواهم از شما بپرسم؛ چراکه «تلجلج فی صدری» دائماً در سینه من خلجان می‌کند.

حضرت فرمودند: بپرس. محمود لبید می‌گوید پرسیدم: «هل نص رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل وفاته علی علی بالإمامة»؛ یعنی آیا رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌صورت صریح، ولایت علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را ذکر کردند؟ که قابل تردید و شبهه نباشد.

راوی می‌گوید، تا این سؤال را کردم، «قالت: واعجباه» حضرت زهرای طاهره علیهاالسلام فرمودند: شگفتا! چه سؤالی می‌کنی؟ مگر می‌شود که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تصریح نکرده باشد؟!

از اینجا به بعد شاهد بحثی است که مطرح کردیم: «أ نسیتم یوم غدیر خم» آیا روز غدیر خم را فراموش کردید؛ روزی که صریحاً، رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی علیه‌السلام را (از جانب خدا) به امامت و وصایت خود منصوب کردند.

محودبن لبید می‌گوید: «قلت: قد کان ذلک» این را می‌دانم و جریان غدیر بر من پوشیده نیست؛ «ولکن أخبرینی بما أسر إلیک»؛ به من از آنچه رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌طور سری با شما در میان گذاشته که صراحت در این معنا داشته باشد، خبر دهید؟

«قالت: أشهد الله تعالی لقد سمعته یقول» خدا را شاهد می‌گیرم که خودم شنیدم از رسول‌خدا که می‌فرمودند: «علی خیر من أخلفه فیکم» یعنی علی علیه‌السلام، بهترین کسی است که من می‌توانم او را به‌جای خودم جای‌گزین کنم و بعد، اضافه فرمودند: «وهو الإمام والخلیفه بعدی»؛ علی علیه‌السلام بعد من، امام جامعه و خلیفه و جانشین من است. سپس فرمودند: «وسبطای وتسعة من ولد [صلب] الحسین أئمة أبرار».

معجزه را ببینید. حضرت زهرای طاهره علیهاالسلام از تمام دوازده امام علیهم‌السلام و از جمله آنها حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خبر می‌دهد.

• ولایت علی علیه‌السلام، محور وحدت

سپس حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کردند که فرمودند: «لئن اتبعتموهم وجدتموهم هادین مهدیین»؛ اگر شما مردم، از اینها پیروی می‌کردید، آن بزرگواران را هادیان جامعه می‌یافتید که ملت را به هدایت و نقطه اصلی انسانیت سوق می‌دهند و بعد فرمودند: «ولئن خالفتموهم یکون الاختلاف فیکم»؛ یعنی اگر با اینها مخالفت کردید، از همین جا، اختلاف میان شما پیدا می‌شود.

اگر از امیرالمؤمنین و اولاد او علیهم‌السلام جدا شوید، در اختلاف بر روی شما باز می‌شود. پس نقش حضرت امیرالمؤمنین و ائمه دیگر علیهم‌السلام روشن شد که پیروی از آنها، اتحاد، بزرگی، شرف، رشد و کمال است.

• چرایی عدم قیام امیرالمؤمنین علیه‌السلام جهت استیفای حق

راوی می‌گوید: «قلت یا سیدتی! فما باله قعد عن حقه؟»؛ با این وضع، چرا امیرالمؤمنین علیه‌السلام، خودش از حق خودش کناره‌گیری کرد و منافقان و بدکاران و انسان‌های ناپاک را کنار نزد؟

در جواب فرمودند: «لقد قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: مثل الإمام مثل الکعبة إذ تؤتی ولا تأتی»؛ مثال امام، مثال کعبه است؛ کعبه که به شهرها و بلاد، سراغ مردم نمی‌رود؛ بلکه مردم از اقطار عالم به سراغ آن می‌آیند.

اولین نکته مهمی که می‌توان از این عبارت استفاده کرد، اینکه دعوت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام جهانی است؛ یعنی همان‌طور که مردم از سراسر جهان با مرارت‌ها و زحمات، به سمت کعبه می‌آیند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم، مانند کعبه است و وظیفه مردم است که بیایند و دور محور او طواف کنند و از مطالب و ارشادات او بهره‌مند شوند.

• توحید ناب در پرتو پیروی از اهل‌بیت علیهم‌السلام

سپس حضرت می‌فرماید: «أما والله! لو ترکوا الحق علی أهله واتبعوا عترة نبیه»؛ به خدا قسم! اگر مردم حق را به اهلش واگذار کرده بودند و از امیرالمؤمنین و عترت رسول‌الله علیهم‌السلام پیروی می‌کردند، «لما اختلف فی‌الله تعالی اثنان»؛ زیر سایه لطف خدا و امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛ حتی دو نفر هم، در خداوند و راه او، با هم اختلاف نمی‌کردند.

سپس فرمودند: «ولورثها سلف عن سلف وخلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین»؛ هر جانشینی دنبال قبلی خودش رهسپار می‌شد تا آن زمانی که نهمین فرزند از فرزندان حسین علیه‌السلام بیاید و قیام کند.

حضرت اینجا به حال مردم تأسف می‌خورند و می‌افزایند: «ولکن قدموا من أخره وأخروا من قدمه الله»؛ ولی چه حیف! آن کسی را که خدا مقدمش داشته بود، این نابکاران عقب انداختند و آن کسی که خدا او را عقب انداخته بود، اینها جلو انداختند و ملت را از این سعادت محروم کردند.

«حتی إذا ألحد المبعوث وأودعوه الجدث»؛ مردم به راه باطل رفتند، تا زمانی که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به خاک سپرده شد، و از اینجا شروع به اختلاف کردند و «عملوا بآرائهم»؛ به آراء و اندیشه نپخته، خام، دور از خدا و الهام‌گرفته از هوا و هوس خود عمل کردند و «لم یسمعوا الله یقول: وربک یخلق ما یشاء ویختار ما کان لهم الخیرة» نشنیدند که خداوند وقتی چیزی را برای کسی قرار می‌دهد، کسی حق ندارد مقابلش، اختیاری از خودش نشان بدهد.

﴿ولکنهم کما قال الله سبحانه فإنها لا تعمی الأبصار ولکن تعمی القلوب التی فی الصدور﴾؛ تنها کوری آن نیست که چشمان انسان نبیند؛ بلکه کوری واقعی این است که قلب انسان و دل و جان او، کور از حقیقت باشد.

این مطالب مختصری بود درباره آیه تبلیغ که صراحت در ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد و در جریان حجةالوداع، رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، همگان را در آن محل جمع کردند و حسب دستور و حکم خداوند در این آیه، خطاب به آن جمعیت بسیار، فرمودند: «من کنت مولاه فعلی مولاه. اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله».

• اهمیت حدیث متواتر غدیر

غرض اینکه مسأله غدیر بسیار بااهمیت است. شخصی به‌نام ابوالمعالی جوینی نقل می‌کند که در بغداد، در دست یک صحافی، کتابی را دیدم و خواندم که در آخر آن نوشته بود «این جلد بیست و هشتم از طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه» است و جلد بیست و نهم نیز، متعاقب آن خواهد آمد؛ یعنی بیست و نه جلد کتاب فقط به‌عنوان فهرست اسامی کسانی که این حدیث را نقل کرده‌اند، تألیف شده است.

مرحوم سید جلیل‌القدر سیدبن طاووس در کتاب طرائف، داستانی نقل می‌کند که صاحب الغدیر هم آن را صحیح مسلم ـ یکی از صحاح سته اهل سنت ـ آورده است که شخصی از یهود، نزد خلیفه ثانی آمد و گفت: اگر آیه ﴿یا أیها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس إن الله لا یهدی القوم الکافرین﴾، بر ما جماعت یهود نازل شده بود و روزش را می‌دانستیم، آن روز را جشن گرفته و روز سرور و شادمانی قرار می‌دادیم که چنین آیه‌ای به افتخار ما نازل شده است.

• ضرورت بازشناسی شخصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام

آیا این مطالب باعث نمی‌شود که یک حرکت جدی به طرف غدیر کرده و امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را از نو بشناسیم؟ این چه شخصیتی است که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». این کلمه «هذا» احتمال دارد که اشاره به این مطلب داشته باشد که حضرت، دست امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بلند کرده و آن وقت فرموده‌اند: «فهذا علی مولاه» که اشاره به آن بزرگوار نموده باشند.

• بایسته‌های غدیریان

دو نکته مهمی که باید غدیریان عزیز و شیعیان و دوستداران امیرالمؤمنین علیه‌السلام به آن توجه ویژه داشته باشند، عبارت است از اینکه:

۱. باید همگان سعی و کوشش در وصول به مقام جدی حب قلبی و دوستی صمیمانه با علی و اولاد علی علیهم‌السلام نماییم تا حب آن بزرگواران، در اعماق جان ما، جای گیرد.

مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در کتاب المراقبات نقل می‌کنند که: یک نفر از جوانان تبریز، بسیار دلداده علی علیه‌السلام بود. این مرد محترم و بااخلاص، یک شب از سر شب تا به صبح، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را مخاطب خویش قرار داده، اصلاً نخوابید و مرتب این جمله را تکرار می‌کرد و می‌گفت: یا علی!

گر بشکافند سراپای من جز تو نیابند در اعضای من

در ایام اقامت آیت‌الله ملکی تبریزی در نجف، این شخص به نجف آمده بود و در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب به آن‌حضرت می‌گفت: «یا علی! مرا از در خانه خود طرد مکن. خدایا! مرا از نجف برنگردان. دلم می‌خواهد اینجا کنار قبر علی بخوابم و قبرم کنار قبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام باشد.»

(به راستی کسانی که با امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام آشنا می‌شوند، چه حالاتی پیدا می‌کنند و به کجا می‌اندیشند. اگر ما باشیم، به چه می‌اندیشیم؟ آیا فقط به زندگی در این چهار دیواری ماده و طبیعت می‌اندیشیم؟!)

این عالم بزرگوار نقل می‌کند که آن جوان، مدتی در نجف ماند. بعد با دوستان و زوار تبریزی حرکت کردند که برگردند. کمی که از نجف دور شدند، آن جوان حالت دیگری پیدا کرد، کسل شد و گفت: مرا از محمل فرود آورید. او را فرود آوردند و همان ساعت از دنیا رفت. جنازه او را به نجف برگردانیدند تا دعای دوست علی علیه‌السلام هدر نرود و باطل نشود که خدای متعال، آبروی دوستان علی علیه‌السلام را این‌گونه حفظ می‌کند.

او را به نجف برگردانیده، غسل دادند و جسدش را در اطراف ضریح مبارک گردانیدند و در نجف، آن خاک مقدس و آن خوابگاه بهشتی، کنار قبر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام چهره در نقاب خاک کشید.

۲. مطلب دوم که باید بیشتر روی آن اتکا داشت، عبارت از اینکه بدانید! ولایت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، از مقوله الفاظ نیست؛ بلکه از مقوله معتقدات است که باید در تمام وجود انسان اثر بگذارد؛ یعنی کسی که ولایت علی علیه‌السلام و ولایت صاحب یوم‌الغدیر را قبول کرد، در راه باطل گام برندارد، نگاه‌های شهوت‌آمیز نکند، دنبال خطا را نگیرد و راه علی و اولاد علی علیهم‌السلام را ادامه دهد.

آیا امکان دارد که فقط دلخوش به این باشیم که دوستان اهل‌بیتیم؛ اما دزدی، دروغ، خیانت، خلاف‌گویی، مبالغه‌گویی، پشت‌هم‌اندازی، یکی را ده تا جلوه‌دادن، ده‌تا را یکی جلوه‌دادن و همه اینها را هم داشته باشیم؟! مگر ولایت علی علیه‌السلام با زبان بد قابل تطبیق است؟! آدم فحاش باشد، دشنام‌ده باشد، بی‌حیا و کم‌شرم باشد و آن وقت ادعای دوستی علی علیه‌السلام هم بکند؟! یقین داشته باشیم که اینها قابل جمع نیست.

فرمودند: «أ یکتفی من انتحل التشیع أن یقول بحبنا أهل البیت فوالله ما شیعتنا إلا من اتقی الله وأطاعه»؛ آیا کفایت می‌کند کسی که خودش را به ما نسبت دهد، فقط بگوید من دوستدار اهل‌بیتم؟ به خدا قسم! شیعه ما نیست؛ مگر کسی که خدا را اطاعت کند و تقوی و پرهیزکاری پیشه کند؛ هم تقوای فکری و هم عملی.

• ضرورت پیروی از خط علی علیه‌السلام در همه شئون زندگی

امروز جهان اسلام در مشکلاتی قرار گرفته است که اگر دنبال خط ولایت علی و آل‌علی علیهم‌السلام را محکم نگیریم، بدانید! حتماً اسلام حقیقی از بین خواهد رفت. ضامن حفاظت اسلام، این خطی است که اتصال به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دارد. بکوشید تا علی علیه‌السلام را در مقابل دیدگان خود قرار دهید؛ برنامه را از علی علیه‌السلام بگیرید و خط علی و اولاد طاهرین علی علیهم‌السلام در همه جامعه، در زندگی شخصی و عمومی، و در اخلاق فردی و حکومت‌داری، ظاهر و آشکار باشد.